

◆ اثر زندان

در وضعیت زناشویی زنان

از هم گسیختگی خانواده را می توان یکی از هزینه های مهم زندان محسوب نمود که بارزترین شکل آن وقوع طلاق است.^۱ از هم گسیختگی خانواده را می توان به صورت شکستن واحد خانوادگی و یا تجزیه ترکیبی از نقش های اجتماعی به علت آنکه یک یا چند تن از عهده انجام تکالیف ناشی از نقش خود آن طور باید و شاید بر نیامده اند^۲ تعریف کرد. طبیعی است که زندانی شدن هر یک از شرکای زندگی مشترک می تواند منجر به از هم گسیختگی خانواده و وقوع طلاق شود. با این حال به نظر می رسد برخی شواهد نشان دهنده آن است که زندانی شدن زن احتمال وقوع طلاق را بیشتر از مواردی می کند که شوهر زندانی شده است.

برخی تحقیقات انجام شده نشان می دهد که معمولاً زندانی شدن زنان منجر به طلاق آنها از سوی شوهرانشان می شود^۳ و حتی در مواردی هم که شوهر زن زندانی خود را طلاق نمی دهد از امکان قانونی خود برای ازدواج مجدد استفاده می کند که این امر پس از آزادی زن منجر به اختلافات و در مواردی طلاق می شود^۴ و احتمال این امر در خصوص زنان زندانی جوان تر و یا معتاد بیشتر می باشد.^۵

◆ تأثیر زندان در رفتارهای

منحرفانه بویژه رفتارهای جنسی

زندانی شدن زنان موجب فرو شکستن ساز و کارهای حمایتی اقتصادی و عاطفی و گسستن آنها از شبکه های نیرومند خانوادگی، خویشاوندی، همسایگی، قومی و قبیله ای و در نتیجه انزوای اجتماعی آنان می شود.^۶ همین انزوای اجتماعی بویژه در جوامعی که میزان مساعدت ها و حمایت های اجتماعی از زندانیان آزاد شده کم باشد؛ مناسب ترین زمینه را برای درافتادن زنان در ورطه آسیب هایی همانند سرقت مواد مخدر و پناه جستن در محله های گمنام یا بدنام را فراهم می سازد.^۷ از سوی دیگر زندان باعث فرسودگی روحی در بین زنان زندانی می شود که موجبات پیدایش رفتارهای خشونت آمیز را فراهم می سازد که در نهایت منجر به رفتارهای منحرفانه بعدی می شود.^۸

یکی از مهمترین رفتارهای منحرفانه در زنان انحراف جنسی است که خود زنان مجرم نیز نسبت به آن ارزیابی منفی دارند. برای نمونه زندانیان زن معتاد از همنشینی با زنان رابطه ای



جایگزین های کیفر حبس در قلمرو نظام عدالت کیفری زنان

حسن طفرانگار

دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری دانشگاه پاریس (پانتئون سوربن)
togranegar@yahoo.com

بخش دوم و پایانی

مجرمانه کودکان نشان داده شده است^{۱۷} اما در عین حال ثابت شده است که اعمال برجسب ارتکاب جرم به زنان متأهل، احساس تعلق، تعهد و تقید فرزندان به مادران زندانی را کاهش می دهد و از این طریق در رفتارهای منحرفانه آنان در آینده تأثیر می گذارد.^{۱۸}

**زندانی شدن زنان موجب فرو
شکستن ساز و کارهای حمایتی
اقتصادی و عاطفی و گسستن
آنها از شبکه های نیرومند
خانوادگی، خویشاوندی،
همسایگی، قومی و قبیله ای و در
نتیجه انزوای اجتماعی
آنان می شود**

برخی معتقدند که تأثیر مجازات زندان در بازدارندگی از جرایم زنان قابل توجه نبوده است و در بسیاری از کشورها زنان زندانی پس از آزادی بار دیگر مرتکب جرم شده اند. به بیان دیگر مشکلات زمینه ای زنان در زندان ها چنان است که بدون حل این مشکلات بیشتر زنان زندانی در معرض خطر بازگشت به زندان قرار خواهند داشت.^{۱۹} مبنای تلاش برای رفع این مشکلات توجه به این نکته اساسی است که زنان زندانی نه فقط به خدمات بیشتری نسبت به مردان نیاز دارند بلکه در بسیاری از موارد خدمات مورد نیاز آنان نسبت به مردان متفاوت است.^{۲۰}

زندان ها باید تلاش بسیاری کنند تا بتوانند خود را با اقتضات خاص زنان زندانی انطباق دهند. اما در شرایط فعلی به نظر می رسد کمتر زندانی توانسته باشد به حد مطلوبی در این زمینه نائل شده باشد. اگر زندان ها واجد آثار منفی بسیار هستند و توجه به ضمانت اجراهای جایگزین حبس را موجب شده اند، آثار منفی زندان ها نسبت به زنان زندانی بیشتر است. در نتیجه توجه به جایگزین ها در خصوص زندانیان زن باید از اهمیت بیشتری برخوردار گردد و نسبت اندک آنها در مقایسه با مردان موجبات توجه کمتر به این موضوع را فراهم نسازد.

فصل چهارم

♦ زنان و ضمانت اجرای جایگزین حبس

زندانیان در نظام زندانبانی آسیب پذیرند و زنان زندانی آسیب پذیرترند. لزوم ملاحظه اقتضات خاص زنان و تلاش برای بهبود عملکرد نظام زندانبانی تنها برطرف ساختن بخشی از شکل است.^{۲۱} سهم عمده در گرو تلاش برای بهره جستن از ساز و کارها و تدابیری است که تا حد امکان مانع از مواجهه زنان بزهکار با نظام زندانبانی شوند.

بدیهی است زنان بزهکار نیز در پرتو قوانین و مقررات کلی می توانند از تدابیر پیش بینی شده جهت استفاده از جایگزین های کیفر حبس بهره گیرند. با این حال همچنان

گریزانند. زیرا جرم آنان راشأن یک زن نمی دانند.^۹ با این حال تحقیقات نشان داده بسیاری از زنان متأهل که حتی پایبند خانواده نیز بوده اند در زندان و تحت فشار غریزه جنسی به انحراف کشیده شده اند در حالی که پس از آزادی از زندان نیز تن به این کار نداده اند.^{۱۰} تحقیقات میزان بالای انحراف جنسی در زنان جوان کشنده شوهرانشان را نیز به دلیل سن کم (عمدتاً بین ۱۹ تا ۲۹ سال) و عدم امکان ملاقات خصوصی به سبب قتل همسر، نشان داده است.^{۱۱}

♦ تأثیر زندان در تربیت فرزندان

شمار قابل توجهی از زندانیان زن مسئولیت نگه داری از فرزندان خود را به عنوان مادر بر عهده دارند. برای نمونه نتایج سرشماری سال ۲۰۰۱ از زندان های زنان در استرالیا نشان داده است که بیشتر زنان زندانی مادر هستند و ۶۳ درصد آنها بچه های کوچک تر از ۱۸ سال دارند.^{۱۲} در مواردی هیچ چاره ای جز نگه داری کودکان در کنار مادران زندانی خود وجود ندارد. جدول زیر آمار کودکان همراه مادران زندانی را به تفکیک سن و جنس در شهر یور ماه سال ۱۳۸۰ نشان می دهد.^{۱۳}

سن	جنس	فراوانی	درصد
تا دو سال	دختر	۷۱	۱۴/۵۷
	پسر	۶۵	۱۳/۴۳
۲ تا ۴ سال	دختر	۸۰	۱۶/۴۲
	پسر	۱۰۴	۲۱/۳۵
۴ تا ۶ سال	دختر	۴۸	۹/۸۵
	پسر	۴۴	۹/۰۳
بالای ۶ سال	دختر	۴	۹/۰۳
	پسر	۳۱	۶/۳۶
جمع	دختر	۲۴۳	۴۹/۸۹
	پسر	۲۴۴	۵۰/۱۱
جمع کل		۴۸۷	۱۰۰

این نکته که "طی مدت حضور کودک در زندان، محیط نگه داری وی باید تا حد امکان هم برای خود و هم برای مادرش طبیعی باشد"^{۱۴} یک توصیه حقوق بشری جدی است که در عمل کمتر مجال بروز می یابد و آنچه که در عمل رخ می دهد محرومیت کودک از یک زندگی با ثبات خانوادگی و احتمال تبعیت وی از الگوهای رفتاری مادر در آینده است.^{۱۵}

در مواردی هم که کودک بیرون از محیط زندان و جدا از مادر زندانی خود به سر می برد نحوه سرپرستی وی می تواند شکل های مختلفی به خود گیرد که فارغ از نحوه سرپرستی، تحقیقات تأثیرات منفی فقدان مادر را بویژه در مواردی که پدر خانواده معتاد است نشان داده اند.^{۱۶} با این که به طور کلی نقش زندانی شدن هریک از والدین در گرایش های

که تفاوت گذاری های ناشی از موقعیت های زیست شناسانه (بارداری، زایمان) و اجتماعی (مادری) زنان در قلمرو حقوق کیفری، طبیعی و بدیهی می نماید در صورت توجه خاص به این موقعیت ها در مرحله اجرای حکم نیز نباید تردید نمود.

حقیقت آن است که آنچه در قلمرو حقوق شکلی ایران به نوعی تبعیض های مثبت نسبت به زنان محسوب می شود، عمدتاً ناظر بر اجرای برخی حدود شرعی همانند حد زنا (مواد ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ قانون مجازات اسلامی) قصاص (ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی) و یا تفاوتی اندک در نحوه اجرای حد زنا (مواد ۱۰۰ و ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی) می باشد^{۲۲} که شاید سهم این گونه کیفر ها از مجموع کیفر های اعمال شده علیه زنان چندان قابل توجه نباشد. در عرصه کیفر حبس تنها تبعیض مثبت برای زنان را باید در بطن ماده ۶۵ آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور جستجو کرد که مقرر داشته است " زندانیان حسب سابقه، سن، جنسیت، نوع جرم، تابعیت، مدت مجازات، وضع جسمانی و روانی، چگونگی شخصیت و استعداد به یکی از قسمت های زندان یا مؤسسات تأمینی و تربیتی معرفی می کردند" در تبصره آن هم پیش بینی شده است که " زندانیان زن می توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند. رؤسای زندان ها می توانند در هر زندان نسبت به تفکیک و جدا سازی اطفال ۲ سال تا ۶ سال در محل مجزا (مهد کودک) اقدام و یا نسبت به انتقال اطفال موصوف به بهزیستی یا مؤسسات نگهداری اطفال مبادرت نمایند." در این خصوص این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که عموماً در زندان زنان به علت تعداد کمتر زندانیان اجرای طرح تفکیک و طبقه بندی مشابه آنچه که در خصوص زندانیان مرد اعمال می گردد کمتر امکان پذیر می شود.^{۲۳}

پس بدون هیچ تردیدی باید ضمانت اجراهای جایگزین حبس را در خصوص زنان با اهتمام خاصی مورد توجه قرار داد. کاری که از منظر تدوین کنندگان لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان دور مانده است و تنها در دو جا به زنان اشاره شده است. نخست در ماده ۱۹ که آمده است "خدمات عمومی موضوع این قانون، خدماتی است که محکوم علیه بدون دریافت دستمزد به حکم دادگاه به نفع جامعه انجام می دهد. دادگاه با توجه به نوع جرم، سن، جنس، توانایی جسمانی، روانی و شغل و مهارت وی به انجام خدمات عمومی حکم می دهد." همچنین در تبصره ۲ ماده ۲۱ نیز مقرر شده است که " اجرای خدمات عمومی باید به گونه ای باشد که قوانین و مقررات مربوط در خصوص شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت فنی و بهداشت کار و ضوابط کاری سخت و زیان آور رعایت شود."

در همایشی که اخیراً با عنوان " زن و حقوق کیفری" برگزار گردیده نکات قابل تأملی در این زمینه مطرح شده است. از جمله توصیه شده که " قانونگذار نسبت به حذف برخی از کیفر ها که با شأن و موقعیت خانوادگی و اجتماعی

زن مخالف بوده و موجب آسیب روانی و جسمی شدید وی می شود - از قبیل کیفر های بدنی - تدابیر لازم را اتخاذ کرده و برای حفظ نقش اساسی زن در خانواده و جامعه، تا حد امکان کیفرهایی را که مستلزم حضور زن در خانواده و جامعه باشد ملاک کیفرانگاری قرار دهد. " همچنین " با توجه به نیاز متقابل زن و خانواده و لزوم حضور بیوسته زن در کانون خانواده باید از تأمین های کیفری مناسب که تا حد امکان به بازداشت زن در مرحله تحقیقات مقدماتی منتهی نشود استفاده کرد" و در عین حال " با توجه به نقش بالای زن در خانواده، دادرسی باید با استفاده از اختیارات خود ضمانت اجراهایی را مورد حکم قرار دهد که ارتباط محکوم علیه آن را با خانواده و جامعه قطع نکند.^{۲۴}

آشکار است که ارائه اینگونه پیشنهاد های سلبی به قانونگذار و مقامات قضایی ضروری است اما نیازمند تکمیل با پیشنهاد های ایجابی است. توجه به مشارکت نهادهای مدنی در اعمال و اجرای تدابیر غیر سالب آزادی و مجازات های اجتماعی از طریق " ارائه امکانات و خدمات مشاوره ای مختلف و برنامه های آموزشی - اصلاحی گوناگون مانند برنامه های افزایش مهارت های فردی با موضوع های مواد مخدر، الکل، ایدز، رفتار جنسی، خود ارزشمندی، چگونگی رویارویی با مشکلات، کاریابی و... با هدف ارتقای بهداشت جسمی و روانی زنان، بهبود روابط اجتماعی آنان برای ادامه زندگی در جامعه و پاسخ گویی به نیاز های واقعی زنان به منزله یک انسان؛ ارائه شیوه های درست و مؤثر درمان اعتیاد و کاهش آسیب های آن؛ ایجاد، توسعه یا بهبود فرصت های شغلی، درآمد زایی و...^{۲۵} یکی از مهمترین محورهای قابل توجه در این زمینه است.

در مجموع باید گفت که تلاش برای تغییر جهت دادن اصلاح زنان بزهکار به سمت برنامه هایی بسیار مفیدتر از زندان (همانند ارائه خدمات به جامعه، آزادی به قید ضمانت، مراکز گزارش روزانه، بازداشت خانگی و...) باید به یکی از اولویت های اصلی نظام عدالت کیفری بدل گردد.

◆ جمع بندی

اصل بیستم قانون اساسی مقرر می دارد که " همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. " طبق اصل بیست و یکم نیز " دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید" و در عین حال انجام امور زیر را نیز عهده دار شود:

- ۱- ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
- ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست
- ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده
- ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست

اصلی یک جامعه باشد، می بایست از تمامی ظرفیت های بالفعل و بالقوه خود برای پرهیز از گسستن زنان از محیط خانواده بهره بگیرد.

۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی

لزوم ملاحظه اقتضائات خاص زنان و تلاش برای بهبود عملکرد نظام زندانبانی تنها برطرف ساختن بخشی از شکل است. سهم عمده در گرو تلاش برای بهره جستن از ساز و کارها و تدابیری است که تا حد امکان مانع از مواجهه زنان بزهکار با نظام زندانبانی شوند

به نظر می رسد که ارتکاب بزه از سوی زنان، هر چند آنان را نسبت به تحمل کیفرهای پیش بینی شده در قانون ناگزیر و ملزم می سازد اما از دایره اطلاق این اصول خارج نمی سازد. بدیهی است که قانونگذار کیفری نیز در تعیین مجازات ها در ارتباط با زنان باید روح این اصول را مد نظر داشته باشد.

از سوی دیگر این نکته مورد تأیید جامعه شناسان قرار گرفته است که "نگرش جامعه ایران معاصر مبتنی بر ارزش و اهمیت خانواده است^{۲۷} و " بدون شک اگر هر اقدامی برای احقاق حقوق زنان منجر به تضعیف این نهاد و کم رنگ شدن نقش مادری و همسری زنان گردد نه به نفع زنان و نه به نفع کل جامعه خواهد بود.^{۲۸} حال در جایی که لطمه به نقش مادری و همسری زنان حتی با هدف احقاق حقوق آنان زیان زنان و کل جامعه را در بر خواهد داشت چگونه می توان پذیرفت که لزوم تأمین مصالح عمومی (از طریق مجازات بزهکاران زنان) به سادگی دستاویز سلب زنان از یکی از مهمترین حقوق اساسی آنان (آزادی) آن هم به پهای لطمه به منافع زنان و کل جامعه شود.

از همین روست که برخی این نکته را مورد تأمل جدی قرار داده اند که اصولاً یکی از هدف های اصلی کیفرها و اقدامات تأمینی و تربیتی کاهش آسیب های اجتماعی است در حالی که محرومیت طولانی مدت خانواده از حضور مادر خود سبب ساز آسیب های متعدد اجتماعی است.^{۲۹} به نظر می رسد نظام عدالت کیفری زنان نه تاب تبعیض های ناروا علیه زنان را دارد و نه تاب تحمل نگرش های حمایتی پدرانه یا پدرسالارانه را.^{۳۰} باید واقعیت های زنان و به تبع آن رفتارهای مجرمانه آنان را بهتر شناخت و از انگاره های سنتی و گاه مبهم موجود فاصله گرفت. در گزارش هایی که از زنان زندانی در زندان های بریتانیا تهیه شده خشونت به عنوان یک ویژگی دائمی زندان زنان توصیف گردیده است.^{۳۱}

در کل باید گفت که اگر تأمین منافع عمومی جامعه و همچنین تأمین منافع زنان و کودکان یکی از دغدغه های

پی نوشت ها

۱. عبدی، عباس و دیگران، آسیب شناسی اجتماعی؛ تاثیر زندان بر زندانی، ص ۵۵۹
۲. مساواتی آذر، مجید، پیشین، ص ۲۱۶
۳. عبدی، عباس و دیگران، پیشین، ص ۵۲۱
۴. همان ص ۵۲۲
۵. همان
۶. رستگاری نیا، ژیلدا، مطالعه جرایم زنان، ص ۸
۷. همان
۸. همان
۹. عبدی، عباس و دیگران، پیشین، ص ۲۳۵
۱۰. همان
۱۱. همان ص ۲۲۸ و ۲۲۹
۱۲. متولی خامنه، مرتضی، زنان زندانی (ایجاد یک آینده بهتر)، ص ۴۲
۱۳. محمدی فرود، حمید، کودکان؛ قربانیان پنهان جرایم والدین، ص ۱۹
۱۴. کویل، آندره، پیشین ص ۱۳۳
۱۵. رستگاری نیا، ژیلدا، پیشین، ص ۸
۱۶. عبدی، عباس و دیگران، پیشین، ص ۵۱۴
۱۷. برای مثال تحقیقات نشان داده است که ۵۰ درصد کودکان خانوادگی که به دلیل زندانی شدن یکی از والدین دچار از هم گسیختگی شده است. به نوعی درگیر بزهکاری و زندان شده اند. محمدی فرود، حمید، کودکان؛ قربانیان پنهان جرایم والدین، ص ۲۰
۱۸. رستگاری نیا، ژیلدا، پیشین، ص ۹ همچنین آقای محمدی فرود که طرحی را در خصوص بررسی تأثیر زندانی شدن بر خانواده زندانی انجام داده اند پیشنهاد نموده اند که پژوهش مستقلی در زمینه تأثیر زندانی شدن مادر بر روی فرزندان انجام گیرد که امید است چنین شود.
۱۹. متولی خامنه، مرتضی، پیشین، ص ۴۲
۲۰. همان ۴۳
۲۱. برای آگاهی از جنبه های اصلاح نظام زندانبانی در خصوص زنان بنگرید به فصل سیزدهم کتاب رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان ها تألیف آندره کویل
۲۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به رحمدل، منصور؛ زن در آئین دادرسی کیفری، در کتاب زن و حقوق کیفری، مجموعه مقاله ها، نتایج، کارگروه ها و اسناد نخستین همایش بین المللی "زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده" ص ۱۴۴ الی ۱۴۹
۲۳. عبدی، عباس و دیگران، پیشین، ص ۵۵۴
۲۴. برگرفته از رهنمود های کار گروه بزهکاری زنان - زن و حقوق کیفری در کتاب زن و حقوق کیفری، مجموعه مقاله ها، نتایج، کارگروه ها و اسناد نخستین همایش بین المللی "زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده" صص ۲۲۷ الی ۲۳۰
۲۵. برگرفته از رهنمود های کار گروه مشارکت نهاد های مدنی در حوزه ی نظام عدالت کیفری زنان در کتاب زن و حقوق کیفری، مجموعه مقاله ها، نتایج، کارگروه ها و اسناد نخستین همایش بین المللی "زن و حقوق کیفری، گذشته، حال و آینده" صص ۲۲۷ الی ۲۷۰
۲۶. رستگاری نیا، ژیلدا، پیشین، ص ۹
۲۷. اعزازی، شهلا، نقش اجتماعی زن در چالش دو دیدگاه (حوزه عمومی و خصوصی): خانواده پیش صنعتی یا صنعتی؟، در کتاب "زن و فرهنگ" مقالاتی در بزرگداشت یکصدمین سال تولد بانو مارگارت مید، ص ۴۳۳
۲۸. همان
۲۹. مسکنی، زهره، جایگزین های مجازات حبس، مجازات های اجتماعی، ص ۲۰
۳۰. در پرتو همین نگاه های پدرسالارانه بود که در امریکا و در پرتو قوانین و مقررات رفاهی متوالیان امر اجازه می یافتند زنان جوانی را که تصور می شد در معرض خطرات اخلاقی قرار دارند به خاطر مصلحت خودشان حبس کنند. بنگرید به وایت راب و فیونا هانیس، درآمدی بر جرم و جرم شناسی، ص ۱۹۵
۳۱. گیدنز، آنتونی، پیشین، ص ۱۷۶.